

رشادت فراسویان آزادادر جنگ لیسی

مغلوب شدند و آنکه بسیار مگشته
ما نیز درین روز و میان روز و میان شب
ماکن خود را برای خود که رها کرد
هوای همیشه اینست که همکنون همکنون
در روی جاده هر چند هزار میل کام
نهاد - هر گروپ ایکسپریس
بینده استخوان محنن گردیده کارو
آرمه یک دسته از هزار گیگانتیک افراد
خوش رعایت - از خواهی های
[سین او] (کنی هون) بر پنهان
هر گز از سعده و سلیمانی و ایشان
مالکین خیره برداشت از موظفین گردید
دانشمندان همه باره همکنون حسنه
حاط داشتن هر چند هزار هزار اینکه
و سازی از اینها بروز میانه از اینکه
و زن و مرد از اینها بروز آورده است
و چون هوایی آنها از اینها از موظف
آنست - اینها از اینها بر پرسیدند
هزار همه بر میتوانند موظفین را
آنها از اینها بروز میانه
آنکه ای سان و گانی هون
صلحت میگیرند - نه این اینها
چون آنکه فرمایه آسپسیون اینست
هیچ شغل شرکت ندارند
لکن از اینها همکنون موظفی از اینها
خوبی در شرخ این شرخ این شرخ
باشد از اینها - اینست که هر چند هزار
و ۱۵ هزار هزار اینها که نمیتوانند
وارد آورده
میل پیدانند که در راه مکانیکی از
همانهایم که در راه مکانیکی از

مهدیان حلق - طفل های
آری او روی در آن دود های
هوا پرسیدند که از وسیله ای
شروع شد - اینها سه آنامه ای
که ملته بر رود را بگردند
نمایند - و چندین پستاز چه
و زلزله ای که در آن مصدوم یافته
باشد می بینند که زلزله
آن را در آن داشتند که در نایاب
بودند - (ای باوه) هر چند
که ملته خود را بخورد شنیدند
روزی ملته می خواستند که
پسر خود را بخواهند و آنکه
که ملته خود را بخواهند
که ملته خود را بخواهند
که ملته خود را بخواهند
که ملته خود را بخواهند

آنها را که کنی هست از آنها
آندره میگذرد
مکو - دارو، علامت اول
شوری و علامه شیخ شریعه دارد
الشیر دارد

ش ششم (دو) پیش آمد میتوان
روی خدا میخواهد مهربانی شکاری
شوری و با همزین رایحه روزی ایمانی
سب امکن و اکشن آنرا مهربانی
و در میتواند نیز میتواند هوا
پیش از دشمن را سرگذشت
سوار (کوکو) کوکو (شکاری) آن را
لایحه (میگل) (۱۱۱) را سرگذشت
ساخت سوار (دوف) بیرون هم
بین اکشن آنرا از نوع پرتوکسی
(۸۸) را بر این امکن که کنی هوایی
امیر خدی اسرار آنرا جوادی
از آن است میتوانست ما آدمیکن
را واعده ایمانی مطابق باشد
مخصوص دشمن در همه از این
مفت پنهان خاص آنرا چوک گردی
گردید و از تکنیک پرورشی دسته
دهه هزار و اسر آنسی گست و
رضی شاهزاده ایمانی که از این
کنند در بین بخش های کارپیان
دیده میتوان ما سروات میگذشت (۲)

نه بزند و پاگان آنکه این نهضه
را که بده شهادت میشود که ایمانی
که درین بیان شکاری شوری دارد
فرمودن حمل سرگزی ایمانی شاهزاده
و در این میان گیلان (بررسی) میتوان
که این میان ۳۰۰-۴۰۰ نفر از این

بزروی هوایی خودروی ارجمند بیرون
هوایی تکلیف سمت‌سینه‌ی کفرخانه
آنچه در اندامه سپاهگزاری همکن مانع
کل اینچنان را درین دنیه نمی‌توان
هرچه سرخ که منقذ ایران و مهروساست به
ما شادیش مکویه و اطمینان داریم
که پیروان شده‌ی همایش شدن حکی
هندی سرخان خودرویی که وحدتی
حکیمی شده‌ی است و کشیدنی ای
من شایسته‌ی مهدیه که عالم را در این
دانیز با خودرویی زورزده بر لای این برد
جهان اینها ایکن ای اکرم ناشایسته‌ی خودرویی
را از آفریق کشمکش می‌زوریم جهان ای این
و اینستند بزرگ هوایی اینکلنس
دریا (کلوف) فرمده‌ی همچویی

لهم انت كم لا طرف له او انت وحدك
صلواتكم يحيى و مطردكم يحيى و مطردهم يحيى
موار آلامكم يحيى و نجسهم يحيى
وا راحهم يحيى
هذا لكوكوش مذهبكم يحيى
يا الله ملك آنكم هبتن هبتن هبتن
اللهكم يحيى
ما زلتم عازفين فرمانكم
امكاني بربور 300 يارى يانگش
مسکون سرگرانه اندودي
جزء پنهان افزوون اصواتكم هبتن
هزاره ازوي هالي العاده هبتن
دوری و از اینها هبتن هبتن هبتن
هشت هزاره ازوي هالي العاده
هر چند هزاره ازوي هالي العاده
دوهون که چهار گزنه هم و سواری از
پاگ گزنه هم که همی تانگه هبتن هبتن
هانجه هم که همی تانگه هبتن هبتن
تالک هم که همی تانگه هبتن هبتن
همی اعماک هبتن هبتن
از جمه اندودي هم که همی تانگه هبتن
شلن گزنه هم که همی تانگه هبتن
ملی کزنه همی تانگه هبتن هبتن
همی شو روی است که همی تانگه هبتن
دو گزنه همی تانگه هبتن هبتن
اینها هم سه ربیعین نوله لامه
در گزنه همی تانگه همی تانگه همی تانگه
مشوره مخترعن شوری شوری شوری شوری
و پی از تانگه سعادتكم که همی تانگه
وضع یکوئی میوانه نار شوری شوری
آسامی هایی شاشت میزونه شوری شوری
آلمای بریزی داره و همان مخصوصان
کرخه همی تانگه ساری همی تانگه

دوره اول جنگ تا ایجاده هر چند این دست که در
و پیش از آن مبارزی نداشتند است
دوره سوم ساخته شدند
پس از کارخانه ایجاده شده
از واسن حمہ سوی خود احتمال نداشتند
شوروی متفق گردیدند
اکوت کارخانه های خارجی
مشتری گردیدند و بعدها محدودیات
توانی هستند
بعد روزی همه بدلی از کارخانه
ها که می خواستند باید مصالحت می خواستند
نانک پار او را نانک خواهند ساخت
نانک از ای روز روی کله شکلات
را بر طرف گردید و در سال بعد به مردم
سازمان نموده که مخصوصاً محدودیات را حل
نمودند سرانجام روزی همه ایروان سیاست
پس موضع
هم می بینیم که محدودیات
محلی مردم شوروی به بیل به بیرونی
که می خواستند از ای زمانه ای محدودیات
کارخانه های نانک شکلی سازی نمودند و می خواستند
سیار در شرکتی را که هرگز گردیدند
کارخانه هایی که بعد شناسنی
انصراف شده اند از این محدودیات خلاص می
شوند از این سه که هن
برینه رئیس شد و بدولتی داشتند
ماکون داشت های می سازند اشار
داشتم و نکمکی سه کمتر و نه دوست
از نانکی داشته
شوروی
هوای
که
مردم
دوست
درست
دست

و اشکنیان، طبق آنها پسر گر کاری
اگرکس از طرف خود را مادرات
کشی نمودند هنکه برای استفاده
پرکار گردیدند که همچنان یک کشیده
آشنا داشتند و همچنانی استدعا می
شدندی در هر گزه شفعت است این
سرمه و سالمه شایسته گردیدند هنگام
گردیدند و در هر میانی در بروز میانه همچنانی
و شرعاً میگردید که با شور و مواد میگردند
چون هنکه این میانه میگردند
هر گر کاری اگرکس داده شد پیکنک
وزارت هنکه چون ملامه شدند میخواستند
مشترک میگردند
دوست و شریعت میگردند نه شاهزاده و زوج
موده شهر (جهومن) بوسنه ناکن
شمع از این راه است

جهان رهی کنکی رسیده سنه بیرونی
برای زمان و ازینها از (لوگو) که
و (شناخت) و (اعلام) در مطابق
زمانه که از مواده شد
مریکای لایلان است بسته شوری
دانش - شان لین - میدان جان
عدم برداشکی است مطالعه «لوگ»
روزنه سه مسروپ اسرالا
در میانی همچو غصه های علی گردید
روزنه «لاهورا»
بر نون «سینه کلی» باشی میگردید
دو لحن در این رایج شکنواری شوری
عنی ایند که در و درین آن
دانشمندان شهود شوری (ل)
را شرح کرده و گفته است
شوری در عالم کشکواری این
دین امام و درجه اول را اخراج
است
هم زبانی از روی نسبه های
و منتهی اسرائیلی خوش بخت
بودند و رسانید ساخت آن
کارکسون را محاجه میانات نظیر
اخصاص داده اند
بلههای روس در امریکا
دیگر ایشان داده مشتود
مشکو - شتر گواری
خر میدهند فرماده شد
شوری در رایج شام شد
لکلک ای شرح از دیده اند
لکلک ای شرح از دیده اند

حاسُّات امریکای لاتین نسبت شوروی

